



سلام. مدتی این مثنوی تأخیر شد! رصدخونه بعد از دو هفته دور کاری –یعنی ۳ روز بیش‌تر از ۱۱ روز– برگشت. با چار کلمه حرف حساب! باور کنین منحرف هم نشده!

یکم. چند وقت پیش یکی از تشکل‌های دانشجویی، گله کرده بود از معاونت دانشجویی که یه روز قبل از برنامهشون تازه مجوز صادر کرده بودن و همین باعث شده بود برنامهشون برگزار نشه. بابا خیلی زود مجوزتون آماده شده! دوشنبه‌ی دو هفته پیش سینما مقاومت بسیج برنامه داشت. ۱۰ دقیقه مونده بود به شروع برنامه کلید سالن رو تحویل دادن، تازه بعد از کلی بالا و پایین رفتن! ولی بازم برنامه به خوبی برگزار شد! چه می‌کنه این معاونت دانشجویی!

دوم. همان معاونت دانشجویی و خیلی خیلی فرهنگی دانشکده همین روزا برنامه‌ی ورزشی‌ای برگزار می‌کنه، با مشارکت «رد بول»! واقعاً تبریک می‌گیم حضور یه تولیدکننده‌ی نوشابه‌ی انرژی‌زا را در محیط فرهنگی! دانشکده.

سوم. می‌گم این بارونی که دو هفته‌ی پیش اومد خیلی برکات داشت. از حال اساسی‌ای که به کشاورزا و … داد بگذریم، پتانسیل بالای کف دانشکده برا تبدیل شدن به استخر رو هم خوب نمایان کرد! انصافاً این قدر زمین دانشکده صافه که جلوی سلف و نمازخونه استخر راه افتاده بود! جون می‌داد برا آب‌بازی! این هم عکسش:



چارم. سه‌شنبه‌ای که گذشت، توی تالار شیخ انصاری دانشکده‌ی حقوق یه مناظره بین نماینده‌های بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی با موضوع «آزادی، التحریر، وال‌استریت» برگزار شد. اون قدر نماینده‌های دو طیف، مرتبط با موضوع صحبت کردن که وسط برنامه مجری موضوع رو اصلاح کرد: «هیچ آدابی و ترتیبی مجوی/ هر چه می‌خواهد دل تنگت بگوی!» حضار هم در این مناظره‌ی تماما علمی! نماینده‌های تشکل متبوع‌شون رو با سوت و کف همراهی می‌کردن!

ادامه از صفحه‌ی یک…

مؤمنین زمان پیامبر(ص) بودند.

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند ریشه‌ی واقعه کربلا را باید در سقیفه جست. شاید حتی قبل‌تر از سقیفه. آری، در سقیفه شد آن چه نباید می‌شد. مردم هم پذیرفتند و علی(ع) هر چه کرد که مردم را آگاه کند، نتوانست. یاری نکردندش. یگانه یاورش زهر(اس) بود که او را هم شهید کردند. همین چند روز قبل بود که مردم پیامبر(ص) را بالای چهار شتران دیدند که دست علی(ع) را بالا گرفته بود و او را مولا می‌خواند. هنوز یادشان نرفته بود که علی(ع) بود که در جای‌گه پیغمبر(ص) خوابید تا هجرتش میسر شود. هجرتی که همه‌ی این داستان‌ها پس از آن بود و اگر نبود. آن… هنوز یادشان نرفته بود غزوه‌ی احد را. غزوه‌ای که در آن، مسلمین دور خوردند و لشکر از هم پاشید و هر کس به سمتی گریزان بود و این تنها علی(ع) بود که پروانه‌وار گرد پیغمبر(ص) می‌چرخید و حملات پی‌درپی دشمن را پاسخ می‌داد و اگر نبود، به احتمال قریب به یقین پیامبر(ص) کشته شده بود. هنوز یادشان نرفته بود غزوه‌ی احزاب را. روزی که عمرو از خندق عبور کرده بود و نعره می‌کشید و هم‌آورد می‌طلبید و اضطراب بود که بین لشکریان موج می‌زد. و باز هم تنها علی(ع) بود و اگر نبود… هنوز یادشان نرفته بود خیبر را، هنوز یادشان نرفته بود…

این طریق، غلم‌دار می‌خواهد؛ همین طوری طی نمی‌شود. دومین علم‌دار را ۲۵ سال خانه‌نشین کردند و دیگر کار از کار گذشته بود. تا امیرالمؤمنین خواست جامعه را تکان دهد، سه جنگ بزرگ بر او تحمیل کردند و بعد از او هم خلافت تبدیل شد به سلطنت موروثی و دست به دست گشت و علم‌داران یکی پس از دیگری ناکام. دغدغه‌ی اصلی تمامی امامان ما این بود که بتوانند حکومت تشکیل دهند و به رهبری بپردازند و متأسفانه نتوانستند، نه این که نخواستند.

نظام سلطنتی ۱۴ قرن ادامه یافت تا این‌که صلابت انقلابی خمینی کبیر، بار دیگر خاطره‌ی محمد(ص)

را زنده کرد. محمد(ص) که به دنیا آمده بود، ۱۴ کنگره‌ی طاق کسری فرو ریخته بود. حالا خمینی بود که آن علمی را که ۱۴ قرن بر زمین مانده بود، روی دوش خود گرفت و برافراشت.

برای بعضی‌ها باید هزار جور استدلال عقلی و نقلی بیاوری تا ولایت فقیه را قبول کنند. خیلی ساده است، مسلمین تا چه زمانی باید بنشینند تا مقدرات‌شان را کافران رقم بزنند؟ این هم استدلال می‌خواهد؟ تا کی باید تحقیر شویم از اجنبی؟ فهم این مسئله خیلی سخت است؟ خب باید حکومت تشکیل دهیم و اسلامی باشد. شما بفرمایید که می‌شود حکومت اسلامی داشت و رهبر نداشت؟ رهبری که رهبری کند. مواظب باشد که دستگاه‌های مختلف حکومت، انحراف پیدا نکنند. یک مطلبی را خدمت خوانندگان محترم عرض کنم. ببینید دوستان، یک زمانی بود که اگر می‌خواستیم از ولایت فقیه صحبت کنیم، باید همان بحث‌های همیشگی را می‌کردیم که در کتاب‌ها خوانده‌ایم. امّا الآن با گذشت بیش از ۳۲ سال از عملی شدن تئوری ولایت فقیه، باز هم باید مثل ۳۲ سال قبل استدلال کنیم؟ ولایت فقیه بیش و پیش از این‌که نقلی باشد، عقلی است.

یک نگاه به تاریخ سال‌های اوّل انقلاب که ببندازیم، پر واضح است که گره‌های کور با سرانگشت امام(ره) باز می‌شد و بس. خیل انبوه توطئه‌ها و نیزنگ‌های آن سال‌ها، با شیخوخیت امام(ره) بود که از سر گذشت. یک نگاهی ببندازید به گروه‌های داخلی که با نظام مخالف بودند و چه‌ها که نکردند. بعد اضافه کنید همه‌های خارجی به نهال نوپای امام(ره) و جنگ هشت‌ساله و … اگر قرار بود این حکومت رهبر نداشته باشد، یکی از این حوادث کافی بود که انقلاب در نطفه خفه شود. مگر می‌شود بدون رهبر؟! تاریخ ده سال اوّل انقلاب کاملاً این مطلب را نشان می‌دهد. این است که می‌گویم برای اثبات ولایت فقیه باید دلایل عینی و تجربی آورد. ببینید ارگان‌های مختلف هر کدام در اوایل انقلاب چشم‌شان به کدام نقطه بوده است و اختلاف‌ها چگونه حل می‌شده است و خط کُلی کشور چگونه حفظ می‌شده است. کمی

تاریخ خواندن می‌خواهد. از هزارِ جلد کتاب ولایت فقیه ِبهتر جواب می‌دهد. ضمناً با بررسی تاریخی کاملاً روشن می‌شود که باید ولایت مطلقه باشد. اگر بخواهد مطلقه نباشد، معنایش این است که رهبر محدود شود و احياناً اگر در قسمتی از نظام انحرافی پیش آمد، حق دخالت نداشته باشد. بطلان این نظریه به لحاظ عقلی واضح است و باز هم حواله می‌دهیم به تاریخ. دخالت‌های فراوان امام(ره) در اداره حکومت اگر نبود، چالش‌های جدّی پدید می‌آمد. از عزل و نصب‌ها بگیرید تا تشکیل و تأسیس نهادهای مورد نیاز و مأموریت دادن به این و آن و حل اختلافات بین مسئولین با حکم حکومتی و موارد دیگر.

راستش را بخواهید، ده سال آخر عمر امام(ره) خیلی شبیه ده سال آخر حیات پیغمبر(ص) است. نه این‌که امام(ره) در حد پیامبر(ص) باشد؛ خود امام(ره) هم بهتر از ما می‌داند که در مقابل معصوم(ع) عددی به حساب نمی‌آید. بحث این نیست. کافی است خودتان وقایع و شرایط ده سال اوّل انقلاب را مقایسه کنید با ده سال پس از هجرت و ببینید رهبران این دو برهه چه عمل‌کردی داشته‌اند و خود قضاوت کنید.

بعد از امام(ره) هم، رهبر فعلی رهبر شدند. از آن جا تا امروز هم باز کافی است که خط سیر حوادث و وقایع را بگیرید و ببایید جلو تا وضع معلوم شود. بعد از امام(ره) بود که انشعاب‌ها به صورت جدّی رخ داد. اگر چه در اواخر عمر امام(ره)، اختلاف‌ها کلید خورده بود، امّا زمانی شکاف‌ها خود را نمایان کردند که دیگر امامی نبود، ولی آقا بود. خب به نظرتان با وجود چپ و راست و اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و کارگزاران و مشارکت و مجاهدین و مجمع روحانیون و جامعه روحانیت و دیگران که آب‌شان در یک جوی نمی‌رود، تا حالا



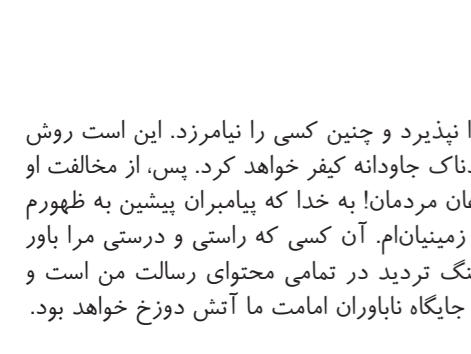
چه طور جمهوری اسلامی سر پا مانده است؟ مگر در این ۲۲ سال، اختلافات کم و ناچیز بوده‌اند؟ همه‌های خارجی مگر یکی و دو تا بوده‌اند؟ این آخری‌ها را هم خودمان لمس کرده‌ایم و نیازی به خواندن تاریخ نیست. بعد از آن انتخابات کذایی، کاندیدایی که رأی نیاورده است ادّعای تقلب می‌کند و بعد هیچ سند محکمی هم ارائه نمی‌کند و با شورای نگهبان هم کاری نمی‌کند. رئیس‌جمهوری که انتخاب شده جشن پیروزی می‌گیرد و لشکرکشی خیابانی می‌کند و با شال سبزش در آن مراسم طرف مقابل را تحریک می‌کند. طرف مقابل فرمایش لشکرکشی می‌کند. همه پریده‌اند به هم. بعضی می‌گویند باید انتخابات ابطال شود، انتخاباتی که میلیون‌ها نفر نظر و رأی‌شان را ابراز کرده‌اند. این وسط تنها و تنها رهبر بود که شرایط را کنترل کرد و الا معلوم نبود که چه بلایی به سرِ این کشور می‌آوردند.

البته این را هم بگویم که بررسی عمل‌کرد امام(ره) و آقا خیلی بیش از این‌ها جا برای کار دارد و این نوشته ظرفیت بیش از این ندارد.

در آخر باید عرض کنم که ما ولایت فقیه را با پوست و گوشت و استخوان‌مان درک کرده‌ایم و آن را عملاً حس کرده‌ایم؛ نه این‌که از کتاب‌های بی‌جان آن را از بر کرده باشیم و درود بر خمینی کبیر که این راه را برایمان گشود. هم‌چنین این علمی را که امروز روی دوش رهبرمان است و یک روز روی دوش امام(ره) بود، همان علمی می‌دانیم که

پیغمبر(ص) برافراشته بود و چقدر ساده‌اند آثانی که نمی‌فهمند این علم، همان علم است. و نیز اکنون منتظر منتظر

هستیم تا بیاید و علم را از رهبرمان تحویل بگیرد تا تحقق یابد وعده‌ی الهی که زمین را عباد صالح به ارث خواهند برد و آن روز نزدیک است.



آگاه باشید همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود. هشدار! اوست انتقام‌گیرنده از ستمکاران. هشدار! اوست فتح‌کننده‌ی دژها و منهدم‌کننده‌ی آن‌ها! هشدار! اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و رهنمای آنان. هشدار! اوست خون‌خواه تمامی اولیای خدا. هان! همانا او یاور دین خداست. هان! او کشتیبان دریای موج سامان‌بخش زندگی متلاطم خلائق است. هان! او نیکو و برگزیده‌ی خداست. هشدار! اوست میراث‌دار دانش‌ها و احاطه‌دار بر ادراک‌ها. هان! او از پروردگارش خبر دهد و نشانه‌های او را برپا کند و استحکام بخشد. هشدار! اوست بالیده و استوار. آگاه باشید! هم اوست که اختیار امور جهانیان به او سپرده شده است. هان! پیامبران گذشته همه به وجود او بشارت داده‌اند. هشدار! اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود. راستی و درستی و روشنایی جز با او نیست. هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده‌ی او یاری نخواهد گشت. هشدار! او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانت‌دار امور آشکار و نهان است.

از خطبه‌ی پیامبر در روز غدیر